

موعود شناسی

قرآن همراه انسان کامل

چیزی بالاتر از قرآن کریم در جهان خلقت به صورت کتاب در نیامده است. گرچه انسان کامل، رسول گرامی (صلی الله علیه وآله و سلم) در مقام نورانیت با سایر اهل بیت (علیهم السلام) یک نورند، اما او کسی است که قرآن همراه با او نازل شده است. بنابراین خدای سبحان وقتی در قرآن از پیام آورش یاد می کند، طوری سخن می گوید که معلوم می شود قرآن به همراه پیامبر آمده، نه پیامبر به همراه قرآن.

از این تعبیر بر می آید که انسان کامل، سمتی دارد که قرآن باید همراه او باشد. لذا خداوند در قرآن می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱.

از پیامبری که فرستادم اطاعت کنید و از نوری که به همراه او نازل کردم کمک بگیرید. این تعبیر هم نشان می دهد که قرآن به همراه پیامبر است و چون اولین صادر، همین خاندانند که یک نورند، بنابراین قرآن کریم یا در همین حد است یا از این حد، در خلاف آنها نیست. در تلو آنهاست. و «اول ما صدر» (اولین فعلی که از خداوند صادر شد) و «اول ما خلق» (اولین مخلوقی که آفریده شد) هم، نور رسول الله (صلی اله علیه و آله) است. و تمام ائمه (علیهم السلام) طبق زیارت جامعه، یک نورند، اولین

۱. سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

فیض، نور این خاندان است. قرآن در شعاع اینها و با اینها است. اگر چیزی در قرآن باشد که انسان کامل، همراه نداشته باشد، و چیزی در انسان کامل باشد که در حوزه قرآن نباشد، این همراهی و مصاحبت نیست. چون منظور از همراهی، این نیست که هر دو، یک راه را طی کنند، نظیر دو اتومبیل که در یک اتوبان حرکت می کنند، بلکه اگر صراط مستقیم و راه معنوی است هر دو در این راهند. لذا اگر در قرآن کریم مطلبی باشد که انسان کامل آن را نداند یا به آن عمل نکرده و به آن متخلق نباشد و همچنین در انسان کامل یک حقیقتی باشد که قرآن آن را در بر نداشته باشد، این اولین درجه اختلاف است.

در حالی که رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) در حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»، به نفی تأکیدی، اینها را از هم جدا نمی داند.

انسان کامل اگر بخواهد به صورت کتاب در بیاید می شود قرآن، و اگر قرآن بخواهد به صورت انسان متجلی گردد، می شود پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امام صادق و سایر ائمه (علیهم السلام). این یک حقیقت است که گاهی به صورت «ثقل اکبر» و گاهی به صورت «ثقل اصغر» درآمده است. همان طور که چهارده معصوم (علیهم السلام) یک نورند. لذا وقتی به آن مقام رسیدیم می بینیم این دو ثقل هم یک نورند. خداوند در بخشی از آیات قرآن کریم، از وجود مبارک رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) به

عنوان «ذکر» یاد کرده است: ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ﴾؛ خدا بر شما
ذکری نازل کرده است، پیامبری که آیات خدا را برایتان می خواند.

یعنی وجود مبارک حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می شود ذکر؛ قهرا رسول خدا، ذکر الله
است همان طوری که قرآن ذکر الله است.

این که حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي
بِطُرُقِ الْأَرْضِ»؛^۱ از من بپرسید قبل از آن که مرا از دست دهید، همانا من به راه های آسمان از راه های
زمین آگاه تر هستم.

این بیان همه ائمه (علیهم السلام) است. منتهی همان طور که تشکیل حکومت در نوبت حضرت
امیر (علیه السلام) ظهور کرد و حضرت توانست آن خطبه ها را ارائه کند، تشکیل حوزه فقهی هم در
عصر وجود مبارک حضرت امام صادق (علیه السلام) ظهور کرد. لذا اگر در عصر ائمه دیگر هم این
امکانات فراهم بود، همان بیان نورانی حضرت امیر (علیه السلام) و همان تشکیل و تأسیس حوزه علمیه
را دیگران هم داشتند.

توقع امام عصر(عج) از ما

ما که شیعیان وجود مبارک ائمه (علیهم السلام) هستیم، در قبال تشیع مسئولیت خاصی داریم؛ زیرا
امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «حَقُّ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْرِضَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَيَّ

۱. سوره طلاق: آیات ۱۰ و ۱۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹

نَفْسِهِ»؛^۱ بر هر مسلمانی که ما را می شناسد، لازم است که در هر شبانه روز اعمالش را بر خودش عرضه کند. بر هر شیعه ای لازم و ضروری است که تمام اعمال شبانه روزش را ارزیابی کند. اما آن ارزیابی چیست که بتواند به وسیله آن، اعمالش را بسنجد؟

فرمود: آن چیزی که میزان است و می تواند ارزیاب باشد، جان شیعه است. بنابراین بیش از هر چیزی باید این ترازو را سالم نگه داریم؛ زیرا در درون ما یک فطرتی نهاده شده که خدای سبحان ما را با آن ترازو خلق کرده است.

باید تلاش و کوشش کنیم به این ترازو آسیبی نرسد. یا اصلاً گرد و غبار بر آن ننشیند و اگر خدای نکرده لغزشی هم هست، در بیرون از دروازه این ترازو ظهور کند نه به دل، اما اگر به خود این جان نشست. آن وقت این ترازو و ماشین حساب، می شود دست خورده که با آن، محاسبه دقیق ممکن نخواهد بود. این همان است که فرمود: ﴿وَهُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾^۲. یک عده کار بد می کنند ولی باورشان این است که کار خوب می کنند. بررسی، فکر و مطالعه هم می کنند، اما چه کنند، ترازو خراب است. این که در بعضی روایات فرمودند: «وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا»^۳؛ میان خود و خدا پرده ای قرار ده، همین است که ترازو را سالم نگه بداریم زیرا یک راه مستقیمی باید بین ما و خدایمان باشد که آن را آلوده نکنیم و نبندیم تا اگر اعمالمان را بر جانمان عرضه کردیم، این ترازو پاسخ بدهد که این عمل سنگین است تا خوشحال شویم، یا سبک مغز و بی مغز (است) تا نگران بشویم. بتوانیم خودمان را

۱. تحف العقول، ص ۳۰۱

۲. سوره کهف، آیه ۱۰۴

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۲

برای رفتن به آنجا آماده کنیم و باید چیزی ببریم که درگاه خدا نباشد تا از ما بخرند. متاعی که آنجا خریدار دارد، فقر، تواضع، فروتنی و... است که آنجا نیست.

رسالت حوزویان و دانشگاهیان... از این فرمایش امام صادق (علیه السلام) آشکار می شود: «رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا»^۱ خداوند رحمت کند مردانی را که چراغ و پرچم (نشان) (هدایت) می باشند. این است که چراغ راه مردم باشید؛ زیرا در این صورت شیعه نه تنها خود به بیراهه نمی رود، بلکه راه را هم به دیگران نشان می دهد، خدای سبحان به رسولش می فرماید: شما را چراغ روشن روشنگر قرار دادیم.^۲

امام صادق (علیه السلام) همین وصف را برای شیعیانش ذکر کرده که شیعه ما چراغ امت است. منتهی حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) سراج منیر است برای کل جهان جن و ملک در طول تاریخ، چون انسان کامل معلم همه هست. ما هم که شیعیان او هستیم در حوزه خود، به اندازه هستی مان می توانیم یک منطقه وسیعی را روشن کنیم.

بعد حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: وقتی توانستید برای دیگران سراج منیر باشید، آن وقت فرشتگان با شما مصافحه می کنند. و این عبادت است نه عادت و تبرک، همانند مصافحه ماموم با امام بعد از اقامه نماز جماعت. این توقعی است که حضرت مهدی (علیه السلام) لا اقل از حوزویان و دانشگاهیان و قرآن پژوهان دارد.

۱. تحف العقول، ص ۳۰۱

۲. سوره احزاب، آیه ۴۶.

